



«دفاع مشروع» از دیدگاه امام خمینی(ره)/ تفاوت شهادت طلبی و عملیات استشهادی

امام خمینی(ره) استقرار ارزش‌ها و آموزه‌های اسلام و حفظ و صیانت از اصل و اساس اسلام را شرط و علت دفاع مشروع می‌دانند و یکی از شرایط دفاع مشروع را تناسب دفاع از حیث شدت و ضعف با تجاوز و خطر می‌دانند.

امام خمینی(ره) استقرار ارزش‌ها و آموزه‌های اسلام و حفظ و صیانت از اصل و اساس اسلام را شرط و علت دفاع مشروع می‌دانند و یکی از شرایط دفاع مشروع را تناسب دفاع از حیث شدت و ضعف با تجاوز و خطر می‌دانند.

دفاع در برابر تجاوز قاعده‌ای عام است که از طبیعت انسان سرچشمه می‌گیرد. مزید بر این، در همه ادیان و مکاتب الهی و به ویژه اسلام بر آن مهر تأیید زده‌اند. اصل دفاع در مقابل تهاجم در هیچ دوره‌ای از تاریخ بشر مورد انکار قرار نگرفته است و عمری برابر عمر انسان‌ها دارد. درباره مشروعیت دفاع در اسلام در دو حوزه فطرت و عقل می‌توان وارد شد. از زاویه فطرت، دفاع امری درونی است که در زمان و مکان خاصی محدود نمی‌شود و در حوزه عقل انسان نیز می‌توان گفت که عقل انسان، حفظ حیات، مال و ناموس را می‌پسندد و در مقابل متجاوز به امور مذکور از خود واکنش نشان می‌دهد. دفاع مشروع در نگاه امام خمینی(ره)

امام خمینی(ره) در مقوله دفاع مشروع، در کتاب «تحریرالوسیله» به صورت همه جانبه و کاملی به مسائل و احکام دفاع طی فصلی پرداخته‌اند. امام خمینی استقرار ارزش‌ها و آموزه‌های اسلام، حفظ و صیانت از اصل و اساس اسلام را شرط دفاع مشروع و همچنین علت چنین دفاعی می‌دانند.

یکی از شرایطی که امام خمینی(ره) در باب دفاع مشروع مطرح کرده‌اند، تناسب دفاع از حیث شدت و ضعف با تجاوز و خطر است. در این قاعده که امام خمینی(ره) با اشرافی که بر قرآن و روایات داشته‌اند، مطرح کرده‌اند، مدافع حق ندارد با هر شدت و نیرویی که خواست نفسانی‌اش بود، به دفع مهاجم بپردازد و باید همیشه قاعده و معیار «تناسب» را رعایت کند و امام(ره) در شرط تناسب، می‌فرمایند: «در تمام آن چه ذکر شد، بنا بر احتیاط واجب باید از مرتبه پایین‌تر اقدام به دفاع کند و به مرتبه شدیدتر از آن برسد».

ترور از نگاه امام خمینی(ره)

هر چند امام خمینی(ره) تعریفی از ترور ارائه نداده است، ولی در موارد مختلف به روشنی به مصادیق ترور و گروه‌های تروریستی اشاره کرده است و با در نظر گرفتن این مصادیق می‌توان به این نظر رسید که اعمال جنایت‌کارانه و مجرمانه‌ای نظیر قتل، بمب‌گذاری، تهدید که با هدف خوف و ارباب و اختناق برای رسیدن به اهداف شیطانی و استکباری و با طرح و برنامه همراه باشد، ترور است.

با توجه به این بیانات، می‌توان به این نتیجه رسید که مبارزات رهایی بخش ملت‌های تحت ستم که برای تحقق آزادی و آرمان‌های الهی، ارزش‌های ملی و انسانی مطابق با فطرت انسانی و برای دفاع از دین و سرزمین خویش، در برابر متجاوزین به دفاع می‌پردازند، خارج از مفهوم ترور و تروریسم است و به عنوان دفاع مشروع، ماهیتی غیر از ماهیت ترور و اختناق دارد. اسلام با اعمال تروریستی مخالف است، ولی در مواردی که دفاع از امنیت و کیان امت اسلامی چاره‌ای جز اقدام به مثل را نداشته باشد، اسلام تحت عنوان دفاع و مبارزه مشروع آن را مجاز می‌شمارد. در دیدگاه امام خمینی(ره) اسلام با ترور و تروریسم مخالف است و در نگاه دینی، تنها مبارزه موافق با موازین شرعی و مبتنی بر اصول جهاد، مشروع و مجاز است.

تفاوت شهادت طلبی و عملیات استشهادی

شهادت طلبی با عملیات استشهادی تفاوت جدی دارد. زیرا سابقه شهادت طلبی به صدر اسلام و قرآن و روایت می‌رسد و در قرآن آمده «وَلَئِنْ قُتِلْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ مُتُّمْ لَمَغْفِرَةٍ مِنَ اللَّهِ وَرَحْمَةٍ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ»؛ و اگر در راه خدا کشته شوید یا بمیرید قطعاً آمرزش خدا و رحمت او از [همه] آنچه [آنان] جمع می‌کنند بهتر است» (آل عمران/157). از این آیه و بسیاری دیگر از آیات می‌توان فهمید که ارزش شهادت و شهید بسیار بالاست چرا که هدف جز خداوند متعال نیست و جنگ در زمان معصوم رخ می‌داده است. شهادت طلبی به معنای خود را به کام مرگ فرستادن نبوده و معنای آن جنگ در راه خدا با دشمنان خداوند بوده است.

اما عملیات استشهادی به این معناست که شخصی با انگیزه دفاع از کیان اسلام و ملت خود به قلب دشمن بزند و ضمن کشتن خود موجب کشتن دشمن شود. این مسئله به عنوان مسئله جدیدی است که در گذشته سابقه نداشته برای همین در کتب فقهی و تفسیری گذشته کمتر سابقه داشته است.

برای این که یک عمل را استشهادی دانست باید به شرایط آن توجه کرد که ماهیت عمل استشهادی باید دفاعی باشد. به این معنا که پیش از آن تهاجم و تجاوزی صورت گرفته باشد تا در برابر آن شخص به دفاع برخیزد، نه این که ابتدا به چنین عملی اقدام نماید. این عمل اگر ابتدا به ساکن و بدون در نظر گرفتن شرایط دفاع باشد، خود جنبه تجاوز دارد که نفس تجاوز و تعدی به دیگران مشروعیت ندارد و حرام دانسته می‌شود. در قرآن هم آمده «وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ»؛ ولی از اندازه درنگزید زیرا خداوند تجاوزکاران را دوست نمی‌دارد» (بقره/190).

تفاوت عمل استشهادی و انتحار

انتحار در لغت از «نحر» به معنای خوکشی است و در اصطلاح شرعی به معنای کسی است که به خاطر حرص دنیا و طلب مال و یا در حالت یأس و غصب دست به خودکشی بزند و این در حالی است که در عملیات استشهادی شخص به دنبال به دست آوردن حق خود و پاسخ به تجاوزات یک تجاوزگر و مهاجم است. بنابر این این دو عمل تفاوت جدی دارند.

تفاوت عملیات استشهادی و تروریسم

سازمان‌های بین‌المللی با رویکرد جهان مدرن غربی، با تکیه به نگاه اوماننیستی و خلط میان مبارزه مشروع و نامشروع، نگاه خاص و ادبیات جدیدی را درباره پدیده تروریسم به وجود آورده و نهضت‌های آزادی‌خواه را تحت‌الشعاع قرار داده است. در برابر این نگاه، رویکرد الهی و دینی قرار دارد که با تکیه بر ارزش‌های فطری و اخلاقی به حقوق بشر و مبارزه با تروریسم می‌نگرد. انتحار به هر شکلی که باشد، در اسلام محکوم است و هیچ توجیهی ندارد. این در حالی است که شخص در عملیات استشهادی به دنبال به دست آوردن حق خود و سرزمین خود است و در این راستا حفظ اسلام و مسلمانان در اولویت است. نکته مهم پیامد و نتیجه این دو عمل اسست که در عملیات استشهادی شخص به دنبال بالاترین آرمان‌های انسانی یعنی شهادت است که برتر از آن فضیلتی نیست، ولی عملیات انتحاری چیزی جز خودکشی نیست.

خلط انتحار و استشهاد در نگاه وهابیت

سلفیان و وهابیان تکفیری با تصور استشهاد عمل می‌کنند و لیکن کاری که در عمل انجام می‌دهند، چیزی جز انتحار و عملیات تروریستی نیست. در نگاه سطحی و بدون توجه به نوع عمل، شاید به نظر برسد که تفاوتی میان عملیات انتحاری وهابیان و گروه‌های دیگر آزادی‌خواه مانند فلسطینیان نباشد ولیکن باید به چند نکته توجه کرد تا دانسته شود که به این دو فاصله‌هاست. در عملیات انتحاری القاعده و گروه‌های وهابی، از این جهت که شرایط این عملیات وجود ندارد، معنایی جز ترور پیدا نمی‌کند و به هیچ وجه نمی‌توان از واژه «استشهادی» برای توصیف آن بهره گرفت. تکفیران در دارالاسلام به ریختن خون مسلمانان به معنای اعم و جدا از نگاه فرقه‌ای و ذهبی می‌پردازند و این عمل در حالی است که خود این گروه متجاوز هستند. معنای متجاوز بودن تکفیران این است که در ریشه‌های تاریخی، اولین حمله و خونریزی که از طرف این گروه انجام شد، قتل اهالی تسنن در حمله به مکه و مدینه بود و بعد از آن، هرچه که علیه تکفیران رخ داد، چیزی جز دفاع مشروع نبود.

مسئله دوم این‌که تکفیران بر اساس یک تفکر غلط که حاصل جهل به باورهای اسلامی است، بدون داشتن شرایط اجتهادی و فقهی، به دلیل این که اساساً اجتهاد را قبول ندارند، حکم به ارتداد و کفر و شرک می‌دهند و در نهایت هم انتحار و ترور انجام می‌دهند. مجموع اعمالی که تکفیران و وهابیان انجام می‌دهند، نه تنها فاقد شرایط دفاع مشروع است که از مصادیق تجاوز است و این تجاوز چیزی جز اسلام‌هراسی و مخدوش کردن چهره اسلام را در بر نداشته است.